



«شرق» از گردهمایی سینمایی‌های جهان در پاریس گزارش می‌دهد

کن؛ سی‌نما در چند اپیزود



هفتادوپنجمین جشنواره فیلم کن از ۲۷ اردیبهشت با حضور سینماگران منتخب از سراسر جهان کارش را آغاز کرد؛ جشنواره‌ای که دو سال پیایی به دلیل پاندمی کرونا و محدودیت‌های ناشی از فراگیری کووید، با محدودیت‌هایی در نوع برگزاری روبه‌رو بود و امسال همه‌چیز به روال سابق بازگشته است. هرچند جشنواره کن سال گذشته نیز به شکل حضوری برگزار شد، اما امسال مهمانان حاضر در این رویداد هنری، نیازی به کنترل‌های سخت‌گیرانه و تست‌های کرونا ندارند و بدون نیاز به ماسک تردد می‌کنند. جشنواره هفتادوپنجم یکی از شلوغ‌ترین دوره‌هایش را سپری می‌کند.



بهنازشریبرانی

حضور بیش از چهار هزار خبرنگار و فیلم‌ساز مطرح و عوامل فیلم‌های منتخب، باعث شده تا جشنواره فیلم کن یکی از شلوغ‌ترین دوره‌های برگزاریش را تجربه کند. بی‌تردید هفتادوپنجمین جشنواره فیلم کن را می‌توان از متنوع‌ترین دوره‌های برگزاری آن توصیف کرد. از سویی دیگر بخش بازار جشنواره کن امسال هم با حضور نمایندگان بسیاری از کشورهای مختلف برگزار می‌شود و غرفه‌هایی نیز تحت عنوان بخش‌آتلاین یا بخش دیجیتال فیلم که پیش از این حضور چندان چشمگیری نداشتند، به بازار اضافه شده است. اما نکته‌ای که این دوره جشنواره فیلم کن را برای ما خاص‌تر می‌کند، حضور درخور توجه و چشمگیر سینمای ایران در این رویداد هنری است. اصغر فرهادی، کارگردان مطرح ایرانی، امسال در کنار ونسان لندن ونیس هیئت داوران، ربکا هال بازیگر، تهیه‌کننده و فیلم‌نامه‌نویس بریتانیایی، دیبیکا پادوکونه بازیگر هندی، نومی رایاس بازیگر سوئدی، جاسمین ترینکا بازیگر و کارگردان ایتالیایی، لج لی کارگردان، فیلم‌نامه‌نویس، بازیگر و تهیه‌کننده فرانسوی، جف نیکولز کارگردان و فیلم‌نامه‌نویس آمریکایی و یواخیم تریه کارگردان و فیلم‌نامه‌نویس نروژی حضور دارد. پیش از این نیز داوری جشنواره فیلم کن به اصغر فرهادی پیشنهاد شده بود و او به سومین دعوت این جشنواره پاسخ مثبت داد. از سوی دیگر «برادران لیلیا» ساخته سعید روستایی یکی از ۲۱ فیلم بخش رقابتی جشنواره کن امسال است که برای کسب جایزه نخل طلای بهترین فیلم و دیگر جوایز بخش مسابقه بین‌الملل رقابت خواهد کرد. این فیلم که از طولانی‌ترین فیلم‌های امسال جشنواره کن است، پنجم خرداد از ساعت ۱۴:۱۵ در سالن آنیس وارد، ششم خرداد از ساعت ۱۷:۳۰ در سالن آئورا و هفت خرداد از ساعت ۱۵:۰۰ پنجمین و آخرین نمایش خود را در سالن آیمکس جشنواره تجربه می‌کند.

همچنین ورایتی گفت‌وگوهای کوتاهی با کارگردانان ایرانی حاضر در هفتادوپنجمین جشنواره فیلم کن انجام داده است. او در مورد فیلم سعید روستایی نوشته: «نمانده اصلی سینمای ایران در بخش رقابتی جشنواره کن امسال فیلم «برادران لیلیا» از سعید روستایی است. تغییرات اجتماعی، به‌ویژه در رابطه با زنان، هسته اصلی این درام قدرتمند و زنانه است که داستان آن در پس‌زمینه خانواده‌ای است که به دلیل بدهی‌های مرتبط با تحریم‌های اقتصادی بین‌المللی، درهم‌شکسته شده است». روستایی دراین‌باره می‌گوید: «مشکلات مردم تا حدودی به دلیل تحریم‌های غرب است. اخیرا گرفتن مجوز تولید برای فیلم‌سازان دشوارتر شده است و بیش از گذشته سانسور اعمال می‌شود.»

نگاهی به هفتادوپنجمین دوره «کن» از دل این رویداد سینمایی

آیا پسر صالح به بهشت می‌رود؟

مجید موتقی (منتقد حاضر در جشنواره فیلم کن): جشنواره کن به پله «هفتادوپنجم» رسید و این در حالی است که قطع و وصل‌شدن سامانه دریافت بلیت، خیلی‌ها را از تماشای به‌موقع فیلم‌ها ناامید کرده است. با وجود این فیلم‌های بخش مسابقه و کارگردانان مطرحی که به‌صورت فیزیکی حضور دارند، به تاب‌وتب گرامی این دوره افزوده است.

سینمای ایران با فیلم «برادران لیلیا» آخرین ساخته «سعید روستایی» با بازی نوید محمدزاده، پیمان معادی، ترانه علیدوستی، فرهاد اصلانی و سعید پورصمیمی برای گرفتن نخل طلا نامزد شده است؛ فیلمی که داستان آن مربوط به بحران‌های اخیر اقتصادی ایران به‌ویژه بالاترین‌بیش از حد قیمت طلا و ارز است و دختری که پدرش میزان زیادی طلا برای روزهای سخت در جایی مخفی کرده و تنها لیلیا آدرس این طلاهای مخفی شده را می‌داند؛ سوزهای که در زیرمتن خود نیاسانی‌های اجتماعی و اقتصادی سال‌های اخیر را هدف قرار داده است.

«علی عباسی» کارگردان ایرانی مقیم دانمارک نیز با فیلم «عنکبوت مقدس – Holly spider» و بازی «زهر» امیرابراهیمی» و «مهدی جستجانی» که داستان آن مربوط به قاتل عنکبوتی شهر مشهد «سعید حنایی» است، کاندید خلی‌ها را رکنجگاو کرده است؛ فیلمی که بلیت آن به سرعت تمام شد.

«علی عباسی» در سال ۲۰۱۸ با فیلم «مرز» برنده جایزهٔ «نوعی نگاه» شد. او یکی از فیلم‌سازان توانا در زمینه ژانر سینمای وحشت به شمار می‌آید. عباسی در ابتدا خواهان ساخت این فیلم در ایران بود که با بروز مشکلاتی از ساخت آن صرف‌نظر کرد و به کشور اردن رفت تا فضای شهر مشهد را در آنجا فیلم‌برداری کند! «علی بهراد» دیگر کارگردان ایرانی این دوره است که با اولین ساخته‌اش «تصور-Imagine»، در بخش «هفته منتقدین جشنواره کن» در کنار ششش فیلم دیگر رقابت دارد. در تیم داوری این دوره از جشنواره نام «اصغر فرهادی» به چشم می‌خورد که دوره پیش با فیلم «قهرمان» برنده یکی از جوایز اصلی جشنواره شد. نمایش آثار کارگردانان ایرانی در پنج روز دوم جشنواره خواهد بود، تنها فیلم خانم «امیلی عاطف» کارگردان ایرانی‌الاصل فیلم «بیشتر از همیشه» با

تیتراژ با تماشاکر باقی می‌ماند. بازی آن هاتای در این فیلم، بهترین بازی این بازیگر از زمان فیلم ریچل ازدواج می‌کند، است.» این توصیفی است که هالیوودریپورتر از فیلم جیمزگری داشته است.

محمد اطبایی، پخش‌کننده بین‌المللی فیلم در گفت‌وگو با «شرق» با اشاره به اهمیت بازار فیلم کن گفت: «بعد از سال ۲۰۲۰ که جشنواره تعطیل شد و بعد سال ۲۰۲۱ تلاش‌های زیادی برای برگزاری جشنواره کن انجام شد اما به دلیل شرایط همه‌گیری کرونا، بسیاری بی‌روفق بود و بسیاری از افرادی که همیشه در جشنواره و بازار حضور داشتند، در جشنواره غایب بودند. امسال خوشبختانه تقریبا بخش عمده‌ای از دست‌اندرکاران سینما در دنیا، اعم از فروشنده‌ها و خریداران، پخش‌کنندگان و تهیه‌کنندگان به کن برگشتند و جشنواره و بازار دوباره رونق گرفت. نزدیک به ۳۰۰ غرفه در بازار حضور دارند و ملاقات‌ها و مذاکرات برای خریدوفروش فیلم هم در جریان است. اما نکته‌ای وجود دارد و آن این است که شرایط عمومی بسته‌بودن سینماها و دسورشدن مردم از سالن‌های سینما، تأثیراتش را در بازار گذاشته است. بسیاری از خریداران همچنان مشتاق خرید فیلم‌های خوب بوده، اما بسیار بااحتیاط رفتار می‌کنند. مردم هنوز به‌طور کامل با سالن‌های سینما آشتی نکرده‌اند و به سینماها برنگشته‌اند. هنوز هم آن‌طور که بایدوشاید شاهد رونق سالن‌های سینماها نیستیم و سینمادوستان به شکل دیگری بیکبر فیلم‌ها و سریال‌های محبوبشان هستند و سامانه‌های آنلاین پخش فیلم هم کار را آسان کرده است.»

او در بخش دیگری از صحبت‌هایش گفت: «البته باید در نظر داشت که هر نقطه از دنیا قوانین خاص خودش را دارد که پخش‌کننده بین‌المللی فیلم ایرانی را با چالش‌های بسیاری روبه‌رو می‌کند؛ از تحریم‌های بین‌المللی گرفته تا نبود توافق‌نامه‌های تولید مشترک و همکاری‌های سینمایی بین ایران و دیگر کشورهای دنیا. نمی‌توانیم خود را جهان ایزوله نگه داشته و درعین‌حال توقع حضور در بازارهای جهانی را داشته باشیم! مهم‌ترین بازارهای ما در کشورهای اروپایی است و این کشورهای اروپایی بنا بر مقررات اتحادیه اروپا ریسک خرید فیلم غیراروپایی را کمتر دارند؛ چراکه اگر فیلم‌های اروپایی بخرند و دچار ضرر و زیان شوند یا حتی نشوند، حمایت‌هایی از اتحادیه اروپا و دولت‌های خود دریافت می‌کنند. در نتیجه ما در یک رقابت نه‌چندان عادلانه هستیم. هر خریدار یا جشنواره اروپایی در درجه اول ترجیح می‌دهد فیلم اروپایی بخرد یا انتخاب کند تا بتواند حمایت لازم را از اتحادیه اروپا داشته باشد. علاوه بر این، شرایط به‌گونه‌ای است که فروش فیلم‌هایی که در جشنواره‌های مهمی مثل کن، برلین و ونیز حضور ندارند و حتی جایزه‌های هم نکرفته‌اند، دشوار است. از طرفی هم تولید فیلم در دنیا با وجود تمامی مسائل و مشکلات مثل همه‌گیری کرونا به شکل قابل‌توجهی بالا رفته است. دیگر به این شکل نیست که تصور کنیم هر فیلمی می‌سازیم، در جایی می‌توانیم به‌راحتی نمایش بدهیم یا بفروشیم؛ صدها رقیب در دنیا داریم. بسیاری از این رقا مشکلات ما را ندارند و متأسفانه مشکلاتی مثل محدودیت‌ها و سانسورها که روز به روز بیشتر می‌شود، شرایط را سخت‌تر کرده است.»

اطبایی ادامه داد: «شاید سودها قبل سانسورهای فیلم‌ها و محدودیت‌های ما برای جشنواره‌های دنیا ضریب‌بسیار بود اما الان دیگر به این شکل نیست. متأسفانه دست‌وپای فیلم‌سازان ما به‌شدت بسته است. موضوع سانسور و محدودیت‌ها در ناموفق‌بودن فیلم‌های ایرانی تأثیر زیادی داشته است. نکته بعدی این است که فیلم‌های ایرانی فاقد هرگونه حمایت در عرصه‌های بین‌المللی هستند. با وجود تمام مصاحبه‌ها و قول‌های مسئولان قدیم و جدید، هیچ حمایت حداقلی‌ای از فیلم ایرانی در این عرصه صورت نمی‌گیرد. هرچند در داخل کشور هم همین قصه را داریم! شک ندارم بعد از انتشار این گفت‌وگو، اولین واکنش مسئولان این است که آنها همیشه از این حوزه حمایت و برای نمونه در بازار فیلم کن چتر سینمای ایران را برپا کرده‌اند. واقعیت این است که اینها کافی نیست. این حداقل کاری است که باید انجام داد. پرسشی که مطرح است این است که چرا افرادی را که خارج از چتر سینمای ایران هستند، نمی‌بینید؟ من سال‌هاست که با هزینه خودم، غرفه‌ام را به هر شکلی شده در بازار کن ایجاد می‌کنم یا خانم میرشب یا استودیو انیمیشن آریا و سازمان سینمایی سوره حوزه هنری، همه به‌طور مستقل در بازار حضور داریم. چرا به ما اشاره نمی‌کنید؟ شماری دوستان فیلم‌ساز با خواندن این گزارش‌ها دچار سووتفاهم شده‌اند که ما در بازار کن حضور نداریم! حمایت تنها در اختیار قراردادن یک میز و صندلی برای شماری از پخش‌کننده‌ها در چتر سینمای ایران نیست که این حداقل کاری است که باید انجام شود. شمار دیگری از کشورها مانند اسپانیا، ایتالیا و ژاپن هم همین کار را انجام می‌دهند، ولی حمایت‌های بیشتری نیز وجود دارد. یک پخش‌کننده بین‌المللی برای حضور مستقل در بازار فیلم کن باید ۳۰۰ تا ۴۰۰ میلیون تومان هزینه کند که این برای بخش خصوصی سینمای ایران بسیار دشوار است.»

او در انتها درباره شرایط حضور فیلم‌های ایرانی در جشنواره فیلم کن صحبت کرد و افزود: «من اطلاعاتی از مذاکرات و گفت‌وگوهای سازندگان این آثار با مسئولان سینمایی کشور ندارم، فقط طبق شنیده‌ها یا مصاحبه مسئولان در رسانه‌ها به نکات تلخی می‌رسم! چرا از این حضور چشمگیر سینمای ایران در جشنواره فیلم کن امسال خوشحال نیستید! اتفاق مهمی برای سینمای ایران افتاده است که همه در اینجا درباره آن صحبت می‌کنند. ما فیلم‌هایی در بخش‌های مختلف جشنواره و یک داور هم در جمع هیئت داوران داریم، واقعا حضور ارشاد و سازمان سینمایی حمایتی از فیلم‌ها انجام داده است؟ باید افتخار کنید از این حضور درخشان در جشنواره کن. آیا می‌دانید بسیاری از کشورهای صاحب صنعت سینما در دنیا هیچ نماینده‌ای در جشنواره کن ندارند! ما در گفت‌وگو با ورایتی هم اشاره کردم که خوشبختانه بعد از سال‌ها که فیلم‌سازان صاحب‌نام ما مثل آقایان کیارستمی، فرهادی، رسول‌اف و پناهی در جشنواره کن حضور داشتند که در جایگاه خودشان محترم هستند و به آنها افتخار می‌کنیم، جای خوشحالی است که فیلم‌سازان جوان کشورمان اکنون در جشنواره حضور دارند و جشنواره فیلم‌های آنها انتخاب شده است. فارغ از اینکه اصل این فیلم‌ها جایزه بگیرند یا خیر، تنها حضورشان اتفاق مهمی است و تأثیر خوبی در سینمای ایران خواهد داشت. چرا مسئولان ما از این موقعیت استفاده نمی‌کنند؟ آقای رئیس سازمان سینمایی چرا با زبان تهدید حرف می‌زنید؟ چرا خوشحال نیستید و حمایت نمی‌کنید؟ وظیفه شما حمایت از سینمای ایران است. مدام از تولید مشترک و حضور در بازارهای جهانی حرف می‌زنید. چگونه می‌توان با زبان تهدید و عدم حمایت و سانسور بیشتر به این مهم دست یابد؟ با این شیوه نمی‌توانید در بازارهای جهانی حضور داشته باشید و از همه ظرفیت‌های سینمای ایران استفاده کنید و حتی صداهای منتقد را هم بشنوید.

یادداشت

مارول واقلیت‌ها پیامدهای یک بازاریابی

علی ورامینی: سینمای مارول، تجلی مناسبات جدید تولید در سینماست؛ قصه‌های عام‌پسند با خاصیت مصرفی و فست‌فودی برای همه. دقیقا همچون مناسبات بازار که هرچیزی (تاکید بر هرچیز است) را به کالا تبدیل می‌کند و آن را می‌فروشد، کمپانی مارول هم مثل آدمی به قهرمان، به عدالت و به مقاومت در برابر وضعیت نامطلوب موجود را به داستان‌هایی تبدیل می‌کند که مخاطب می‌خواهد. در مارول مخاطب هرچه خواهد سینما به او می‌دهد، مخاطب‌اگر انتظار دارد ضد قهرمان نابود شود، نابودش می‌کند، انتظار دارد سرانجام عشق فرجام شود، همین را برایش می‌سازد.
ورای این- در یکی از سریال‌های «تفلیکس» امکانی بود که مخاطب می‌توانست از میان پنج پایان‌بندی سریال، یکی را انتخاب کند و هیچ بعید نیست که کمپانی‌هایی همچون مارول هم از این امکان به‌زودی استفاده و مخاطب را راضی‌تر کنند.

باری، کمپانی مارول چند سالی است سعی می‌کند قهرمان‌هایی هم جز کلیشه امرد سفیدپوست غربی! ارائه دهد تا دیگر گروه‌ها که اقلیت می‌خوانندشان را هم ببیند. «بلنگ سیاه» به کارگردانی «رایان کوکлер» از خیزهای این کمپانی برای دیدن یک سیاه‌پوست در قامت ابرقهرمان بود و آشنایی‌زدایی از قهرمان سفیدپوست. یا «بیوه سیاه» با بازی «اسکارلت جوهانسون» تلاشی برای این بود که زنان به‌عنوان بزرگ‌ترین اقلیت هم خودشان را در قامت قهرمان ببینند.

به نظر می‌رسد به استتلال نیاز نباشد که این خیزهای مارول برای بازنمایی اقلیت‌ها در قامت ابرقهرمان نه از سر نگاهی اخلاقی-انسانی است و نه حتی چیزی مثل مسئولیت اجتماعی و این‌دست مفاهیم ریاکارانه، در حقیقت ذات بازار می‌طلبد که همه مشتری‌ها دیده شوند. مشتری ثابت و البته محصول ثابت، خرجه تولید را بالاخره یک جا دچار اخلال می‌کند. هم مشتری باید که دانما اضافه شود و هم محصولات مستمر متنوع. از این بابت این اقدام مارول در نهایت بد هم به نظر نمی‌رسد و حتی منتقدانی آن را پیامد مثبت یک کار بازاری می‌دانند.

یکی از آخرین آثار این کمپانی، سریال «شوالیه ماه» است که تلاشی برای تحت تأثیر قراردادن مخاطبان عربی/خاورمیانه‌ای مارول در قامت ابرقهرمانی است که نسبت به دیگر ابرقهرمان‌ها امکان همدات‌پنداری بیشتری برای آنها وجود دارد؛ چراکه خاستگاه اثر مصر است و اساطیر این کشور باستانی محور این سریال. شوالیه ماه از لحاظ ساخت یکی از آثار موفق مارول است. داستان حداقل تا قسمت یکی مانده به آخر چفت‌وبسته دارد. تا آخر هم مخاطب را در تعلیق‌هایی می‌گذارد که بر جذابیت اثر افزون می‌کند. «ایزاک اسکاکر»، سوپرآستار مورد اقبال این روزها هم بازی قابل قبولی دارد؛ خاصه که نقش خیلی ساده‌ای هم ندارد. موضوع ساخت این اثر نیست، بلکه مسئله این است که تلاش مارول برای دیدن اقلیت‌ها و بازنمایی آنها در آثار خود کاملا در سطح مانده است و می‌توان با استمداد از «شرق شناسی» «ادوارد سعید» آن را تلاش یک سوزه غربی در بازنمایی از غیرخودی دانست که پیش از هر مواجهه مستقیم آن را متعین کرده است.

به این معنا که سوزه غربی‌ربی قبل از هر چیز دیگری سوزه دست‌دوم است. در شوالیه شب، مردم خاورمیانه اساسا غایب‌اند. آنجا هم که هستند به‌صورت یک ماتک کلیشه‌ای، با عبا و دستار، شتر در دست و مشغول کشیدن بار غریبان هستند. مسائل مهم مربوط به خدایگان مصری را غریبان حل می‌کنند. اصلا دعوا میان غرب است، هم قهرمان هم ضدقهرمان، سوزه‌مصری فقط سیاهی‌لشت‌هاست. یک جا هم که قرار است فردی کشگر، هرچند منفی مصری باشد، کیی نعل به نعل یک آدم منفی غربی است که حضور کوتاه و بی‌اثری دارد؛ حضوری که هیچ انگاره‌ای از مردمان مصری حتی مردمان بد این خطه نمی‌دهد.

از همه جالب‌تر، خدایگان اسطوره‌های مصر باستان به انگلیسی صحبت می‌کنند. این فقط یک سهپهل‌انگاری ساده از سوی سازندگان نیست. زبان یعنی پیوند با جهان بیرون از خود. اینجاست که می‌توان فهمید مارول در نهایت هم نمی‌خواهد که جهان غربی‌ربی مخاطب اصلی این روایت باشد. با سوی دیگر آن، اگر می‌خواهی با این جهان، حتی با اسطوره‌های خودت ارتباط برقرار کنی، باید وارد زبان/جهان انگلیسی شوی.

اینکه مارول و در کل بدنه اصلی هالیوود خودآگاه چنین می‌کند یا یک وضعیت ناخودآگاه است، بحث مفصلی را طلب می‌کند، ولی کلی‌گویی درباره اقلیت‌ها، چه سیاه، چه غیرغربی، چه زن و … و نزدیک‌نشدن به آنها، نه‌فقط بازتابی نزدیک به واقعی از هویت دیروز و مسائل امروز آنان نیست، بلکه شکاف‌ها را بیشتر می‌کند. شکاف میان سوزه اصلی و هر چیزی که خارج از آن سوزه اصلی باشد، چراکه این نوع بازنمایی دقیقاً در ادامه همان ایده متن‌سازایی‌لشت‌هاست.

در نقاشی اکسپرسیونیستی دارد، به تصویرها و پلان‌های زیبایی رسیده است. از دیگر خصیصه‌های کارگردانی او، بازگذاشتن دست بازیگران در بداهه‌پردازی به شرط خارج‌نشدن از نقش و فیلم‌نامه است.

اما شگفتی این دوره تا به امروز فیلم «پسری از بهشت – Boy from Heaven» ساخته فیلم‌ساز سوئدی -مصری «طارق صالح» بود که توانسته نظر خیلی‌ها را به خود معطوف کند. این فیلم‌ساز در زمینه سینمای کوتاه و انیمیشن مسیر صعودی خوبی را از سال ۲۰۰۱ تا به امروز پیموده و در سال ۲۰۱۰ با سخت انیمیشن علمی تخیلی «متروپیا» در «جشنواره انسی فرانسه» و «جشنواره فیلم ونیز» مورد توجه قرار می‌گیرد و در سال ۲۰۱۷ با ساخت فیلم دلهره‌آور «حادثه نیل هیلتون» کاندیدای جایزه «سنزار در فرانسه» و «برنده جایزه بزرگ جشنواره ساندنس» در آمریکا می‌شود.

مشخص است تجربیات مختلف او به‌ویژه تسلط او در شناخت «ژانر ترلیر» که با هیجان، ترس و جنایت همراه است، در توفیق فیلم «پسری از صالح» بی‌ثمر نبوده است؛ داستان پسری که ماهیگیر ساده‌ای است و در دانشگاه الازهر مصر در قاهره پذیرفته می‌شود و در همان روزهای اول مدرسه، شاهد قتل یکی از مقامات مذهبی عالی‌رتبه در مدرسه است اما «آدم» تهدید و مجبور به سکوت و محاربه با پلیس و جاسوسی برای آنها می‌شود؛ فیلمی که در روایت سینمایی و افشای تدریجی داستان از مونتاز و بازی‌های خوبی برخوردار است؛ طوری که «طارق صالح» با اولین حضورش در جشنواره کن برای گرفتن نخل طلا نامزد شده است.

تسلط این کارگردان در دکوپاژ (استفاده از دوربین) و میزانشن‌های خلاق (حرکت‌بندی) و هدایت بازیگران به فیلم ریتم و تمپوی خوبی داده است. بازی‌ها در این فیلم درخشان و کارگردان با دعوت از بازیگران «موج نوی سینمای عرب» به قوام خوبی در کارگردانی رسیده است؛ به‌ویژه بازی درخشان بازیگر فلسطینی آن «توفیق برهم» در نقش «آدم» شناس جایزه بازیگری دارد. باید دید «پسری از بهشت» در دستان کارگردان آن «طارق صالح» از جهنمی که «آدم» در آن قرار دارد، می‌تواند جایزه‌ای از بهشت سینماگران به خاسته ببرد!